

# طالع سلو

## روزنامه

تاریخ  
۲۰  
اسفند  
۱۳۹۶  
یکشنبه

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی  
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افند  
چه حکایت از فراقت که نداشتم ولیکن  
نظری به دوستان کن که هزار بار از آن به  
دل دردمند ما را که اسیر توست یارا  
نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا  
برای فقیه دانا به خدای بخش ما را  
دل هوشمند باید که به دلبری سپاری  
چو زمام بخت و دولت نه به دست جهد باشد  
گله از فراق یاران و جفای روزگاران

که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی  
دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی  
تو چو روی باز کردی در ماجرا بستی  
که حیثی نویسی و هدیتی فرستی  
به وصال مرهمی نه چو به انتظار خسی  
تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی  
تو و زهد و پارسایی من و عاشقی و مستی  
که چو قیله‌ایت باشد به از آن که خود پرستی  
چه کنند اگر زبونی نکنند و زیردستی  
نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و رستی

# ادبی و هنری

### محمد بهمن بیگی



محمد بهمن بیگی، معمار و بنیانگذار آموزش عشایر ایران، در فصلی از خاطرات خواندنی خود تحت عنوان داستان «مادر» نوشته است: من سرپرست مدارس عشایری بودم. در کارم اقتدار و اختیار بسیار داشتم... از دامن دشت‌ها تا قلده کوه‌ها همه‌جا را با ماشین و اسب و گاه پیاده می‌پیمودم. بچه‌ها را می‌آموختم. آموزگاران را راهنمایی می‌کردم...

در تل و تپه‌های جنوبی طایفه... بودم. ماه دوم سال غوغایی به پا کرده بودم... گل‌های زمین ستاره‌های آسمان را از یاد برده بودند و من سرمست هوای بهار از بیج و خم راهی دشوار می‌گذشتم. ...پیرزنی سراسیمه راهم را گرفت. لباسش مندرس و سروصورتش زولیده و چروکیده بود... وسط جاده ایستاده بود. تکان نمی‌خورد... جز اطاعت و درنگ چاره نداشتم.

از حال و کارش جوینا شدم. اشک ریخت و گفت: خیر آمدنت را داشتم، از کله‌سحر چشم‌به‌راحت هستم. گفتی: دردت چیست؟

گفت: پسر معلم شده‌ام. من بیوه‌ام. سال‌هاست که بیوه‌ام. می‌بینی که پیر و زمین گیرم. من جان کنده‌ام که این پسر بزرگ شده و به معلمی رسیده است...

او حالا نوکر دولت است، حقوق می‌گیرد... برای عروسی لباس‌های نو می‌خرد. به مهمانی می‌رود. مهمان می‌آورد. رادیو دارد. سیگار می‌کشد، ولی یک شاهی به من نمی‌دهد... تو رئیس هستی. راهت را گرفتم تا به پسرم بگویم تا رفتارش را با من عوض کند.

اشک‌های مادر نه چنان آتشین و روان بود که بتوانم طاقت بیاورم. مزه‌هایم تر شد. نام معلم و جای کارش را پرسیدم...

آموزگار را می‌شناختم. از چهره‌های مشخص آموزش عشایری بود... یک‌تنه چندین کلاس را درس می‌داد...

از چنان معلمی چنین رفتاری بعید بود. با آنکه ناله مادر گواه صادق گناه فرزند بود، به خیال تحقیق اقدام... معلوم شد که حق با پیرزن است.

پس از مدتی کوتاه به مدرسه رسیدم. معلم، کدخدا و تنی چند از ریش‌سفیدان به پیشوازم آمدند. بچه‌ها هلله کردند... پاسخی مادر بخور به محبت‌های آنان کردم و کارم را آغاز کردم.

از کودکان پرسیدم که آیا می‌توانند شعری درباره مادر بخوانند. بسیاری از آنان دست بلند کردند. خدا پدر ایرج میرزا را بیامزد که کار ما را، دست‌کم درباره مادرها آسان کرده بود. یکی از دانش‌آموزان... انتخاب کردم... خواند:

با مادر خود مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش. از کودک پرسیدم که آیا می‌تواند آنچه

### مصطفی رستم‌پور



«برده‌ی تقدیر»  
یک روز تو من آیین افسوس کنی در است  
آن روز که من آیین دل برده‌ی تقدیر است  
صدا بر کشیدم من با خطره‌اک از غم  
نقش بر رخ زیبایت اینک چه به تصویر است  
باروک تو من آمد ساقی برده پیمان  
تا پرکنم این جامت من گر چه به توفیر است  
ما را که پیرشان شد با زلف تو آک زینیا  
دلگیر نبود زین پس عقل به زنجیر است  
آن روز که من آیین دانم قدرم دلگیر  
مصلحت نهد اک جان این روح دلگیر است  
با عهد تو من بستم پیمان قیامت را  
افسوس ندانستم عهدت سر تدبیر است  
آخر نورد قصه‌ی بیان جدایع را  
بنویس غم ما را، این قصه به تحریر است

### طیبه خسروی

گل‌بوته یاسم تویی، آن ترگل نازم تویی  
دریای احساسم تویی، دنیای پیرازم تویی  
تعبیر هر خوابم تویی، گویم تو را از تازه‌ها  
هر لحظه در نایم تویی، ای شاعر آوازه‌ها  
ای کاش می‌شد پر زنده، در آسمان دیده‌ات  
بیمار تبادرت شوم، در کیهانشان دیده‌ات  
در پرده ابهام من، دنیای سبز و کان من  
تنها تو دادی پختگی، ای هستی و اقبال من  
در این دلم سوادی تو، در گریه‌ام آوای تو  
در لحظه بیماریم، در غصه و غم‌های تو  
مانند مرغی پر زنده، بر گوشه‌ی ایوان تو  
بر روی این سر سایه آرامش مژگان تو  
تا هستی و دل‌بست‌های منم نفس خواهم کشید  
با اسم تو این واژه‌ها بر ذهن خاموشم رسید  
ای مادر غم پرورم، ای نور چشمانم ترم  
باشد همیشه سایه‌ات، مانند چتری بر سرم

**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

tolou.news@yahoo.com

کارشناس (این شماره): سرویس ادبی - هنری: **طیبه خسروی**

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۱۹۶۰۳۱۱۰۳۴۰۳۲۶۵ مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای محمدعلی اسفندیار نژاد فرزند منصور به شماره شناسنامه ۱۲۲۶ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۶۶۹۰۵۵ در شناسنامه یک باب خانه به مساحت ۱۹۶/۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۱/۳۷ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی عوض شریفی شریف آباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۶۱۶۵/م الف تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۱۹۶۰۳۱۱۰۳۴۰۳۲۶۵ مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۴ تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای سیدمرتضی هاشمی اصل فرزند سیدشاهبا به شماره شناسنامه ۴۲۰ صادره از شیراز در شناسنامه یک باب ساختمان به مساحت ۲۸۸/۵۴ مترمربع پلاک ۴۷۳۱ فرعی از ۱۱۰۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۱۰۲ اصلی واقع در بخش ۳ شیراز خریداری از مالک رسمی آقای شیخعلی زارعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۶۱۶۵/م الف تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۱۹۶۰۳۱۱۰۳۴۰۳۲۶۵ مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای محمدعلی اسفندیار نژاد فرزند منصور به شماره شناسنامه ۱۲۲۶ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۶۶۹۰۵۵ در شناسنامه یک باب خانه به مساحت ۱۹۶/۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۱/۳۷ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی عوض شریفی شریف آباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۶۱۶۵/م الف تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۱۹۶۰۳۱۱۰۳۴۰۳۲۶۵ مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای سیدمرتضی هاشمی اصل فرزند سیدشاهبا به شماره شناسنامه ۴۲۰ صادره از شیراز در شناسنامه یک باب ساختمان به مساحت ۲۸۸/۵۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۴۷۳۱ فرعی از ۱۱۰۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۱۰۲ اصلی واقع در بخش ۳ شیراز خریداری از مالک رسمی آقای شیخعلی زارعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۶۱۶۵/م الف تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی مناقصه عمومی

دیهاری روستای فتح آباد، بخش طسوج، شهرستان کوار پیرو مصوبه شورای اسلامی به شماره ۱۸-۵- از او خواستم که توی چشم آموزگار خیره شود و شعرش را با صدای بلند بخواند. خواند.

سپس از همه بچه‌ها تقاضا کردم که به آموزگار خود بنگرند و با صدای بلند، خطاب به آموزگار شعر مادر را بخوانند. همه نگرینستند و همه با صدای بلند خواندند:

با مادر خویش مهربان باش  
آماده خدمتش به جان باش  
رنگ‌بر چهره معلم نمانده بود...  
همین که سرود دست جمعی مادر پایان یافت، گفتم:  
هدف ما از این همه دوندگی جز این نبوده است و جز این نیست که انسان‌هایی مهربان بیوریم. انسانی که نتواند حتی با مادر خویش مهربان باشد به درد معلمی نمی‌خورد... از این پس این مدرسه معلم ندارد.

...به بچه‌ها وعده دادم که به‌زودی معلمی مهربان، معلمی که با مادر خود مهربان باشد، به سراغشان خواهد آمد.

\*  
هفته‌ای بیش نگذشت که من از سفر خود بازگشتم. پیش از من کدخدا... معلم و مادر معلم به شیراز آمده بودند. همه با هم به دیدارم آمدند.  
مادر پیش از همه پای می‌فشرده. دو چشمش دو چشمه آب بود و در میان سیل اشک می‌گفت:  
فرزندم را ببخش. فرزندم جوان و بی‌گناه است. گناه از من پیراست که تاب نیاوردم و شکایت کردم. او مهربان است. کدخدا، راهنما و خود من التزام می‌سپارم که او مهربان باشد...  
مگر می‌توانستم از فرمان مادر، آن‌هم چنان مادری سرپیچی کنم؟!  
**بخارای من، ایل من**

### آگهی مناقصه عمومی

مرحله دوم ۹۶/۱۲/۲۶

مرحله اول ۹۶/۱۲/۲۰

شهرداری اشکنان در نظر دارد اجرای کلیه امورات خدمات شهری و بصورت حجمی کار و برابر اسناد مناقصه به مدت یک سال را از طریق مناقصه عمومی به بخش خصوصی واجد شرایط و پذیرا نماید لذا پیمانکاران واجد شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و شرکت در مناقصه به دبیرخانه شهرداری مراجعه یا با شماره تلفن ۰۷۱۵۲۷۶۲۷۰ تماس حاصل نمایند.

– متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال به حساب ۱۰۵۳۸۴۵۰۷۰۰۵ به نام سپرده شهرداری واریز یا ضمانت نامه معتبر بانکی ضمیمه در خواست نمایند.

– متقاضیان می‌بایست فیش سپرده خود را در پاکت الف و سایر مدارک شرکت (اساسنامه، تغییر و تحول اساسنامه، رتبه بندی) در پاکت ب و پیشنهاد قیمت در پاکت ج تسلیم شهرداری نماید.

– شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.

– چنانچه نفرات اول تا سوم برنده از انعقاد قرارداد انصراف دهند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

– مهلت ارائه پیشنهادات به دبیرخانه شهرداری ده روز پس از درج آگهی مرحله اول (۷ فروردین ۹۷) می‌باشد.

– به پیشنهادات مخدوش و مشروط و مبهم و فاقد سپرده واصله بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نمی‌شود.

– در صورت تساوی پیشنهادات، اولویت با شرکت کنندگان بومی و محلی می‌باشد.

– شرکت کنندگان در مناقصه بایستی منع قانونی در معاملات نداشته باشد. کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– هزینه های درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– سایر شرایط و برگ پیشنهاد قیمت در اسناد مناقصه قید می‌گردد.

۲۶۴۵۲

### آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم ۹۶/۱۲/۲۶

مرحله دوم ۹۶/۱۲/۲۶

مرحله اول ۹۶/۱۲/۲۰

شهرداری اشکنان در نظر دارد اجرای کلیه امورات نگهداری و توسعه فضای سبز-سرایداری و گشت تخلیفات ساختمانی بصورت حجمی کار و برابر اسناد مناقصه به مدت یک سال را از طریق مناقصه عمومی به بخش خصوصی واجد شرایط و پذیرا نماید لذا پیمانکاران واجد شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و شرکت در مناقصه به دبیرخانه شهرداری مراجعه یا با شماره تلفن ۰۷۱۵۲۷۶۲۷۰ تماس حاصل نمایند.

– متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست مبلغ ۲۸۰ میلیون ریال به حساب ۱۰۵۳۸۴۵۰۷۰۰۵ به نام سپرده شهرداری واریز یا ضمانت نامه معتبر بانکی ضمیمه در خواست نمایند.

– متقاضیان می‌بایست فیش سپرده خود را در پاکت الف و سایر مدارک شرکت (اساسنامه، تغییر و تحول اساسنامه، رتبه بندی) در پاکت ب و پیشنهاد قیمت در پاکت ج تسلیم شهرداری نماید.

– شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.

– چنانچه نفرات اول تا سوم برنده از انعقاد قرارداد انصراف دهند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

– مهلت ارائه پیشنهادات به دبیرخانه شهرداری ده روز پس از درج آگهی مرحله اول (۷ فروردین ۹۷) می‌باشد.

– به پیشنهادات مخدوش و مشروط و مبهم و فاقد سپرده واصله بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نمی‌شود.

– در صورت تساوی پیشنهادات، اولویت با شرکت کنندگان بومی و محلی می‌باشد.

– شرکت کنندگان در مناقصه بایستی منع قانونی در معاملات نداشته باشد. کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– هزینه های درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– سایر شرایط و برگ پیشنهاد قیمت در اسناد مناقصه قید می‌گردد.

۲۶۴۵۱

### آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم ۹۶/۱۲/۲۶

مرحله دوم ۹۶/۱۲/۲۶

مرحله اول ۹۶/۱۲/۲۰

شهرداری اشکنان در نظر دارد اجرای کلیه امورات نگهداری و توسعه فضای سبز-سرایداری و گشت تخلیفات ساختمانی بصورت حجمی کار و برابر اسناد مناقصه به مدت یک سال را از طریق مناقصه عمومی به بخش خصوصی واجد شرایط و پذیرا نماید لذا پیمانکاران واجد شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و شرکت در مناقصه به دبیرخانه شهرداری مراجعه یا با شماره تلفن ۰۷۱۵۲۷۶۲۷۰ تماس حاصل نمایند.

– متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست مبلغ ۲۸۰ میلیون ریال به حساب ۱۰۵۳۸۴۵۰۷۰۰۵ به نام سپرده شهرداری واریز یا ضمانت نامه معتبر بانکی ضمیمه در خواست نمایند.

– متقاضیان می‌بایست فیش سپرده خود را در پاکت الف و سایر مدارک شرکت (اساسنامه، تغییر و تحول اساسنامه، رتبه بندی) در پاکت ب و پیشنهاد قیمت در پاکت ج تسلیم شهرداری نماید.

– شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.

– چنانچه نفرات اول تا سوم برنده از انعقاد قرارداد انصراف دهند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

– مهلت ارائه پیشنهادات به دبیرخانه شهرداری ده روز پس از درج آگهی مرحله اول (۷ فروردین ۹۷) می‌باشد.

– به پیشنهادات مخدوش و مشروط و مبهم و فاقد سپرده واصله بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نمی‌شود.

– در صورت تساوی پیشنهادات، اولویت با شرکت کنندگان بومی و محلی می‌باشد.

– شرکت کنندگان در مناقصه بایستی منع قانونی در معاملات نداشته باشد. کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– هزینه های درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

– سایر شرایط و برگ پیشنهاد قیمت در اسناد مناقصه قید می‌گردد.

۲۶۴۵۱